

## مطالعه کیفی طیف الگوی روابط خودی تاثیر گذار در قضاوت اخلاقی بر اساس جنسیت

مهسا مهدی زاده

دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه الزهرا (س)

زهرا خسروی<sup>۱</sup>

استاد گروه روانشناسی دانشگاه الزهرا (س)

خسرو باقری نوع پرست

استاد گروه مبانی فلسفی و اجتماعی آموزش و پرورش دانشگاه تهران

### چکیده

هدف این پژوهش تبیین الگوی روابط خودی تاثیر گذار در قضاوت های اخلاقی و شناسایی مؤلفه های متأثر از جنسیت است. این مطالعه با استفاده از رویکرد کیفی بر پایه مدل نظریه زمینه ای ساخت گرایانه به بررسی قضاوت های مبتنی بر روابط پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش ۲۷ نفر از زنان و مردان جوان و میانسال ساکن شهر تهران بودند و نمونه گیری به صورت هدفمند انجام گرفت. با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته افراد در دوراهی های اخلاقی مبتنی بر روابط قرار داده شدند و اطلاعات گردآوری شد. نتایج پژوهش نشان داد افراد حاضر هستند به ترتیب برای خویشاوند، خود، دوست/همکار، هموطن، هم‌مذهب و هم‌قوم خود اصل برابری را زیر پا بگذارند، که این روابط خودی مؤثر بر قضاوت های اخلاقی در هر دو جنسیت به لحاظ گستردگی و ترتیب مشابه مشاهده شد. به طور کلی تاثیر روابط شخصی (خویشاوند، خود، دوست و همکار) با ویژگی های تکاملی انسان ارتباط دارد و تاثیر روابط اجتماعی (هموطن، هم‌مذهب و هم‌قوم) به اهداف مشترک درون گروهی و وفاداری به گروه مرتبط است.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: z.khosravi@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۹/۱

زنان و مردان نیز به طور کلی در موقعیت‌های مختلف به یک اندازه روابط را در تصمیمات خود لحاظ می‌کنند، هرچند ممکن است با توجه به میزان خشونت‌آمیز بودن موقعیت میزان مداخله آن‌ها متفاوت باشد، که این تفاوت مرتبط با ویژگی‌های تکاملی است، نه توانایی آن‌ها در درک و رعایت برابری.

### واژگان کلیدی

قضاوت اخلاقی، روابط خودی، جنسیت، نظریه زمینه‌ای ساخت‌گرایی

### مقدمه و بیان مسئله

از گذشته جنسیت یکی از فاکتورهای اصلی و سوال برانگیز در قضاوت‌های اخلاقی<sup>۱</sup> بوده است؛ این موضوع به طور گسترده، نه تنها در روانشناسی و سایر علوم انسانی و اجتماعی، بلکه خارج از مجامع دانشگاهی نیز مورد بحث و منازعه علمی قرار گرفته است. دو تن از نظریه‌پردازان مطرح حوزه جنسیت در روانشناسی کلبرگ<sup>۲</sup> و گلیگان<sup>۳</sup> هستند که تفاوت جنسیتی را بیشتر از جنبه تحولی مورد بررسی قرار داده‌اند. هرچند پیش‌تر فروید<sup>۴</sup> نیز در نظریه خود به این تفاوت پرداخته بود. فروید معتقد بود سطح بهنجار اخلاق در زنان و مردان متفاوت است و زنان علاوه بر درک کمتر از عدالت، بیشتر از مردان تحت تاثیر احساسات خود قضاوت می‌کنند و همین‌طور به دلیل نقص در همانندسازی با والدین، فاقد رسش اخلاقی<sup>۵</sup> و ضعف فراخود هستند (۱۹۲۷). کلبرگ تفاوت جنسیتی را از جنبه شناختی بررسی کرد. از نظر او مفهوم کلیدی اخلاق، عدالت و برابری است و او معتقد بود زنان در قضاوت‌های اخلاقی خود بر این اساس، دچار

<sup>1</sup> Moral judgements

<sup>2</sup> Kohlberg

<sup>3</sup> Gilligan

<sup>4</sup> Freud

<sup>5</sup> Moral maturity



سوگیری ارتباطی یا بین فردی هستند. اما گلیگان معتقد بود عدالت و برابری را محور اخلاق دانستن، نوعی سوگیری نسبت به زنان است؛ به این دلیل که نمونه‌های تحقیق کلمبرگ فقط مردان بودند. از نظر گلیگان مفهوم کلیدی اخلاق از منظر زنان مراقبت و مسئولیت بر پایه سیاست عدم خشونت است و بر این مبنا زنان دچار سوگیری در قضاوت‌های اخلاقی‌شان نیستند (گامپ، بیکر و رول<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). مطالعات دیگر نیز این تفاوت را در آزمون‌های مختلف قضاوت‌های اخلاقی تایید می‌کنند (آلدیش و کیج<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳؛ تیگوگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۶؛ خسروی و عباس زاده، ۱۳۹۴؛ فرج زاده دهکردی، ۱۳۹۸؛ کشوری، پوراعتماد و اختیاری، ۱۳۹۳؛ گامپ، بیکر و رول<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰)؛ علی‌رغم این گزارش‌ها مطالعاتی هم بودند که هیچ تفاوت جنسیتی در قضاوت‌های اخلاقی نیافتند (جفی و هاید<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰؛ سولواچکوا و سولواچک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷؛ مک‌گرا و بلومفیلد<sup>۷</sup>، ۱۹۸۷؛ لایجکویا<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳).

مطالعات ذکر شده، از طریق معماهای اخلاقی سعی در شناسایی الگوی قضاوت‌های اخلاقی دارند و معمولاً همه شخصیت‌های حاضر در معماهای اخلاقی، ناشناس هستند و داستان‌ها انتزاعی و مصنوعی است (دابلوجبیک و رسین<sup>۹</sup>، ۲۰۱۴). این امر موجب شده قضاوت‌های اخلاقی مبتنی بر روابط که تحت تاثیر روابط بین فردی قرار دارد نادیده گرفته شود. انسان‌ها در شبکه‌های اجتماعی مختلف زندگی می‌کنند و درگیر روابط متقابل هستند و به همین دلیل بخش

- 
1. Gump, Baker, & Roll
  2. Aldrich, D., & Kage
  3. Tinghög
  4. Gump, Baker, & Roll
  5. Jaffee, & Hyde
  6. Slováčková & Slováček
  7. McGraw, & Bloomfield
  8. Lajčiaková
  9. Dubljević & Racine

بزرگی از زندگی روزمره آنها را موقعیت‌هایی تشکیل می‌دهد که در آن شخص ناگزیر به انتخابی می‌شود که یا باید به نزدیکان و روابطش آسیب بزند یا مجبور به زیر پا گذاشتن اصل برابری اخلاقی شود.

اصل برابری اخلاقی انسان‌ها، به این معناست که همه افراد شایسته احترام و کرامت انسانی یکسان هستند. این اصل امروزه به عنوان استاندارد اخلاقی حداقلی در جوامع مدرن پذیرفته شده است (گوسپس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷)، اما در دنیای واقعی پابندی به این اصل به‌ویژه زمانی که روابط ژنتیکی و عاطفی در میان باشد دشوار است. برای بررسی این موضوع در سال‌های اخیر، برخی پژوهشگران به بررسی قضاوت‌های مبتنی بر روابط، علاقه نشان‌داده‌اند و با وارد کردن ارتباطات مختلف در معماهای اخلاقی، شرکت‌کنندگان را در دوراهی انتخاب بین حفظ روابط و پابندی به اصل برابری قرار دادند. این مطالعات در ابتدا ارتباطات ژنتیکی (بلس-ریشک، نلسون، بیکر، رمیکر و برانت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ ) و سپس نزدیکی عاطفی (فیتزجرلد، تامسون و ویتیکر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰؛ استیورت-ویلیامز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ ۲۰۰۸) فرد قضاوت‌کننده با افراد درگیر در موقعیت‌های اخلاقی را در قضاوت‌های اخلاقی موثر دانستند.

برخی پژوهشگران نیز به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در قضاوت‌های مبتنی بر روابط پرداختند. مطالعات نشان دادند به‌طور کلی در موقعیت‌های کمک‌کننده (لی، الن و کسیر<sup>۵</sup>، ۱۹۷۴) و در پاسخ به معماهای مرگ و زندگی (پترینوویچ، اُنیل و جونگنسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۳)، مردان بیشتر از زنان تمایل به واکنش نشان دادن دارند، به همین دلیل در سناریوهای خشونت‌آمیز مردان بیشتر از زنان احتمال دارد به اعضای خانواده خود کمک کنند (فیتزجرلد و ویتیکر، ۲۰۰۹). به عنوان

1. Gosepath

2. Bleske-Rechek, Nelson, Baker, Remiker & Brandt

3. Fitzgerald, Thompson & Whitaker

4. Stewart- Williams

5 Lay, Allen & Kassirer

6 Petrinoich, O'Neill & Jorgensen

مثال، در بررسی تفاوت جنسیتی در این قضاوت‌ها، بلس-ریشک و همکارانش (۲۰۱۰) از شرکت‌کنندگان خواستند واگن قطاری را تصور کنند که از کنترل خارج شده و به سرعت به سمت پنج کارگری که روی ریل راه‌آهن کار می‌کنند حرکت می‌کند. اگر قطار به آن‌ها برسد هر پنج نفر را خواهد کشت. یک نفر هم در ریل سمت راست مشغول کار است. تنها راه برای حفظ زندگی پنج کارگر، تغییر مسیر واگن به ریل سمت راست از طریق فشار دادن یک اهرم است. در این مطالعه قربانی بالقوه روی ریل فرعی معما در طیفی از روابط خویشاوندی، تغییر کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که زنان کمتر از مردان تمایل به حرکت دادن اهرم برای تغییر مسیر واگن دارند. اما در بخش دیگر مطالعه، که شریک عاطفی فعلی پاسخ دهندگان به عنوان فرد حاضر در ریل فرعی قرار گرفت، برخلاف قسمت قبل این مطالعه، بین مردان و زنان تفاوتی مشاهده نشد.

مطالعات دیگر نیز نشان دادند زنان و مردان به یک اندازه احتمال دارد که برای نجات خویشاوندان نزدیک خود، جان خود را فدا کنند (میلز، پدرسین و گرسگ<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹) و زمانی که موقعیتی غیرخوشونت‌آمیز، اما تهدیدکننده زندگی (مانند اهدای عضو یا سوختن خانه) پیش می‌آید تفاوت جنسیتی مشاهده نشد (برنشتاین، کرنالد و کتایاما<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴؛ فیتزجرالد و کولارلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹؛ کروگر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱؛ استیورت-ویلیامز، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸).

به طور کلی نتایج مطالعات نشان می‌دهد با وجود پیشرفت قابل توجه، از جمله مشخص شدن طیف روابط ژنتیکی و عاطفی، بر قضاوت‌های اخلاقی در جوامع غربی، این موضوع هنوز نیازمند بررسی بیشتر است. اکثر مطالعات انجام شده به صورت کمی بوده و در این مطالعات

1. Mills, Pedersen, and Grusec

2. Burnstein, Crandall, & Kitayama

3. Fitzgerald & Colarelli

4. Kruger

شرکت‌کنندگان ملزم به ارزیابی معماهای اخلاقی با پاسخ به سوالات مختلف از جمله «آیا این کار برای شما قابل پذیرش است؟» یا «آیا شما این کار را به منظور ... انجام می‌دهید؟» بودند. مطالعات نشان دادند پرسش‌های مختلف، فرآیندهای ذهنی متفاوتی را در مغز راه اندازی می‌کند (مونین، پزالرو و بیر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷)، در نتیجه نمی‌توان به‌طور دقیق بیان کرد که نتایج آن‌ها با یکدیگر قابل مقایسه است و احتمالاً بتوان با انجام یک مطالعه کیفی و پرسیدن سوالات باز و غیررهنمودی به استدلال پشت این قضاوت‌ها و پاسخ‌های قابل اعتمادتری دست یافت. علاوه بر آن شرکت‌کنندگان مطالعات پیشین، در وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا جای می‌گرفتند و مطالعات در کشورهای غربی انجام شده است، در نتیجه یافته‌های آن‌ها قابل تعمیم به جامعه ایران نیست. همچنین تاکنون تاثیر روابط قومی، مذهبی و ملی در هیچ یک از مطالعات، مورد بررسی قرار نگرفته است و با توجه به این که در کشوری مانند ایران که اقوام و مذاهب مختلف در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و قضاوت‌های اخلاقی مبتنی بر روابط، آستانه تحمل نسبت به تفاوت‌ها، پذیرش دیگری و همدلی را کاهش می‌دهد، بررسی تاثیر این نوع روابط در کنار روابط خویشاوندی و عاطفی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. علاوه بر این عدم رعایت اصل برابری اخلاقی در برخی موقعیت‌های اجتماعی می‌تواند منجر به ورشکست شدن شرکتی یا حتی مرگ فردی بی‌گناه شود. به عنوان مثال، اگر ممیز مالیاتی دیدگاه خودی و غیرخودی نسبت به افراد خارج از گروه مذهبی یا قومی خود داشته باشد می‌تواند با قضاوت ناعادلانه خود سبب بروز پدیده فساد یا سبب ورشکستگی یک شرکت و بی‌کاری تعداد زیادی از افراد آن شود. یا یک قاضی می‌تواند خسارات مهیب‌تری به بار بیاورد. در نتیجه این مقاله در نظر دارد به این سوالات پاسخ دهد که الگوی روابط خودی تاثیرگذار بر قضاوت‌های اخلاقی چیست و روابط خودی متاثر از جنسیت کدام‌اند؟ با توجه به اینکه سلسله مراتب روابط انسانی افراد را می‌توان به گروه‌های

<sup>1</sup> Monin, Pizarro, & Beer



مختلف از جمله بستگان، بهترین دوستان، غریبه‌های خاص، غریبه‌های عادی و دشمن طبقه‌بندی کرد (ما، ۱۹۹۲)، در این مطالعه منظور از طیف روابط خودی، خود، خویشاوند، دوست/همکار، هم‌وطن، هم‌قومیت و هم‌مذهب است.

### روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی بر پایه مدل نظریه زمینه‌ای ساخت‌گرایی<sup>۲</sup> به بررسی قضاوت‌های مبتنی بر روابط پرداخت. ماهیت اکتشافی اهداف تحقیق، در شناسایی الگوی تبیین قضاوت‌های مبتنی بر روابط و شناسایی مؤلفه‌های متأثر از جنسیت در این نوع قضاوت‌ها، این مطالعه را به سمت نسخه ساخت‌گرایانه نظریه زمینه‌ای سوق داد. این مدل بر مشارکت فعال محقق در ساخت و تفسیر داده‌ها از طریق تعامل با مشارکت‌کننده و داده‌ها تاکید دارد (شارمز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). در نتیجه این مدل به محقق اجازه داد تا با درگیر کردن شرکت‌کنندگان در تحقیق به درک آن‌ها از روابط خودی و غیرخودی دست پیدا کند.

جامعه آماری این پژوهش شامل زنان و مردان جوان و میانسال ساکن شهر تهران بود. انتخاب این گروه سنی به‌عنوان جامعه آماری به این دلیل است که هدف ما تبیین طیف روابط خودی موثر در قضاوت‌های اخلاقی و کشف تفاوت‌های جنسیتی در این نوع قضاوت‌هاست، احتمالاً به لحاظ سنی، شخصیت افراد جوان و میانسال به خوبی مستقر شده است. علاوه بر رضایت آگاهانه، جنسیت، سن و سکونت در تهران برای تنوع در چشم‌اندازهای تصمیم‌گیری و قضاوت اخلاقی در روابط خودی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی نیز از معیارهای ورود شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شد و معیار خروج از مطالعه نیز نداشتن رضایت آگاهانه برای تکمیل پرسشنامه، شرکت در مصاحبه و موافقت با ضبط مصاحبه‌ها به صورت ناشناس با هدف پیاده‌سازی برای

<sup>۱</sup>Ma

<sup>۲</sup>Constructivist Grounded theory

<sup>۳</sup>Charmaz

تجزیه و تحلیل اطلاعات بود. بر این اساس شرکت‌کنندگان در بازه سنی ۲۸ تا ۶۳ سال قرار گرفتند، به لحاظ تحصیلات ۴۸٪ دیپلم، ۳۰٪ کارشناسی و ۲۲٪ کارشناسی ارشد و دکتری، از نظر وضعیت تاهل ۷۰٪ متاهل و ۳۰٪ مجرد بودند.

جهت ارزیابی وضعیت اقتصادی-اجتماعی شرکت‌کنندگان از یک پرسشنامه خوداظهاری محقق ساخته استفاده شد. در این پرسشنامه علاوه بر بررسی باور فرد به جایگاه اقتصادی-اجتماعی خود، شاخص‌هایی همچون میزان درآمد، سطح تحصیلات، شغل، نوع منزل و منطقه مسکونی نیز سنجیده شد و بر این اساس شرکت‌کنندگان به سه دسته وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند. تلاش شد، با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی-اجتماعی زنان و مردان، نمونه‌گیری شامل حداکثر تنوع<sup>۱</sup> باشد. براساس این معیارها، در نمونه‌گیری اولیه ۲۷ نفر (۱۴ زن و ۱۳ مرد) با استفاده از نمونه‌گیری دردسترس هدفمند انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا اشباع نظری ادامه پیدا کرد.

همانند اغلب مطالعات نظریه زمینه‌ای، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری اطلاعات استفاده شد (برکس و میلز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). در این مصاحبه‌ها دوراهی‌های اخلاقی مبتنی بر روابط طرح شد و از شرکت‌کنندگان دلیل درست یا اشتباه بودن اقدام انجام شده در آن دوراهی پیگیری شد. جهت طراحی معماهای اخلاقی مورد استفاده در این مطالعه، در ابتدا دوراهی‌هایی که توسط گرین<sup>۳</sup> و همکارانش (۲۰۰۴) گردآوری شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. پانزده دوراهی از این لیست که برای اهداف این پژوهش مناسب بود انتخاب شد و محقق آن را در ابتدا به فارسی ترجمه کرد و سپس برخی تغییرات مانند تغییر اسامی شهرها، افراد و برخی رفتارهای مغایر با فرهنگ ایران، جهت سازگاری سناریوها با جامعه ایران در دوراهی‌ها، صورت گرفت. دوراهی‌ها براساس طیف روابط خودی و غیرخودی درگیر در این معماها به شش دسته (خود، خویشاوند،

1. maximal variation .

2. Birks & Mills

3. Greene



دوست/ همکار، هم‌وطن، هم‌قومیت و هم‌مذهب) تقسیم شدند. اعتبار محتوای معماها توسط دو استاد روانشناسی و دو استاد فلسفه مورد ارزیابی قرار گرفت. در نهایت از ۲۰ دوراهی در این پژوهش استفاده شد که دو نمونه در آن‌ها در ادامه بیان شده‌است:

سربازان دشمن در حال گشتن روستای شما هستند و دسته دسته همه قربانیان باقی مانده را می‌کشند. شما به همراه فرزندان و برخی از اهالی روستایتان در زیر زمین خانهای بزرگ پناه گرفته‌اید. از بیرون صدای سربازانی را می‌شنوید که در حال گشتن خانه‌اند. در این زمان یکی از افراد که از مسلمانان اهل سنت است و زخمی شده است (زخمش خطر مرگ ندارد) با صدای بلند شروع به ناله کردن می‌کند. شما برای اینکه صدای او را قطع کنید جلوی دهان او را می‌گیرید، اگر دستتان را از جلوی دهان او بردارید صدای او، سربازان را متوجه شما کرده و سربازان شما، فرزندان و افراد دیگر که در زیرزمین پنهان شده‌اند را می‌کشند. برای اینکه جان خودتان و دیگران را حفظ کنید باید آن فرد را خفه کنید. به نظر شما خفه کردن فرد اهل سنت، برای حفظ جان خودتان، فرزندان و دیگر اهالی روستا، کار درستی است؟

در شرکت پدرتان کار می‌کنید. رمز کامپیوتر پدرتان را دارید. یک روز که نیاز فوری به اتصال به اینترنت دارید، پدرتان در شرکت حاضر نیست، شما پشت کامپیوتر او می‌نشینید و بعد از انجام دادن کارتان، اسم یکی از پوشه‌های روی صفحه نظر شما را جلب می‌کند و آن را باز می‌کنید. متوجه می‌شوید پدر شما با سندسازی سنوات چند کارگر را پرداخت نکرده است و آن کارگران هم مدرکی برای گرفتن حقتشان ندارند و این پول برای زندگی آن‌ها بسیار مهم است. و می‌دانید پدرتان به حرف شما برای دادن حق کارگران توجهی نمی‌کند. تنها راه برای احقاق حق کارگران، دادن آن فایل به آن‌هاست، که با آن می‌توانند از پدر شما شکایت کنند. اگر شما این کار را انجام دهید کارگران به حقتشان می‌رسند، آبروی پدر شما می‌رود و شرکت با وجود مشکلات مالی ورشکست خواهد شد. به نظر شما ندادن اطلاعات به کارگران برای گرفتن حقتشان، به منظور جلوگیری از بی‌آبرویی و ورشکسته شدن پدرتان، کار درستی است؟

مجموعه مصاحبه‌ها در یک اتاق خصوصی (بدون دخالت یا حضور دیگران) غالباً در محل کار یا خانه شرکت‌کنندگان با توجه به ترجیح شخصی آن‌ها انجام شد. مصاحبه‌ها بین پنجاه تا

شصت دقیقه به طول انجامید و به صورت صوتی ضبط شد. محقق فایل‌های صوتی را به صورت کلمه به کلمه بعد از هر مصاحبه پیاده‌سازی کرد.

اولین مرحله از تحلیل مصاحبه‌ها، کدگذاری اولیه<sup>۱</sup> بود. در این مرحله کدگذاری خط به خط رونوشت‌های مصاحبه انجام شد. هدف این بخش تولید کدهای زیاد با توجه اندک به پرسش تحقیق بود؛ یعنی با ذهن باز و بدون پیش‌فرض، براساس محتوای واضح و ضمنی داده‌ها، کدگذاری انجام شد. در مرحله دوم، کدگذاری کانونی<sup>۲</sup>، کدهایی که به نظر می‌رسید ارزش تحلیلی بیشتری داشتند و بیشتر در تجزیه و تحلیل ظاهر شده بودند و همین‌طور کدهایی که بیشتر به سوال پژوهش مرتبط بودند مشخص شدند (شارمز، ۲۰۱۴). در فرآیند کدگذاری کانونی گاهی کدهای اولیه به همان شکل باقی ماندند، گاهی دو کد اولیه با هم ترکیب شدند. از طریق فرآیند تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مداوم، زمانی که به تحلیل مصاحبه‌های بیشتری پرداخته شد به نظر رسید برخی از کدهای کانونی بازتاب دقیق‌تری از داده‌های اصلی هستند و ارزش مفهومی و نظری بیشتری دارند، این کدها به مقوله‌بندی‌ها افزوده شدند.

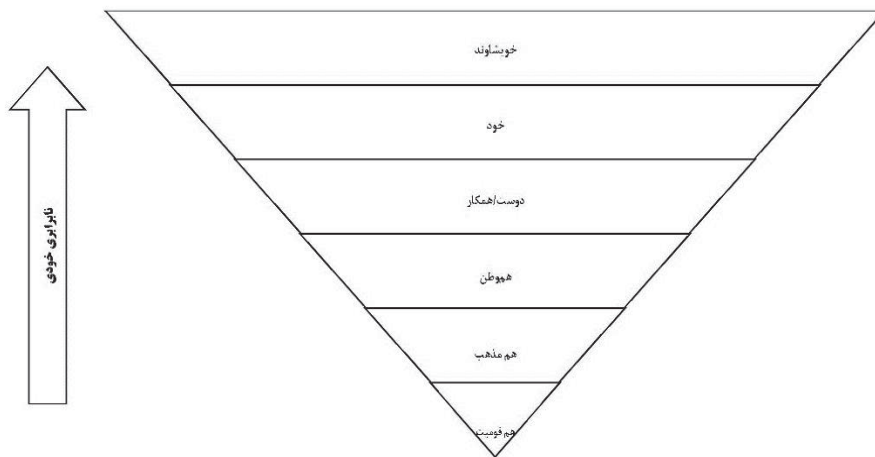
در پروژه تحقیقی حاضر از مثلث‌سازی محقق<sup>۳</sup> (لینکون و گوبا، ۱۹۸۵) جهت بهبود فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها، استفاده شد. سه محقق با سابقه پژوهش کیفی، تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده را انجام دادند. علاوه بر آن به معیار اعتباری تخصص محقق<sup>۵</sup> (برکس و میلز، ۲۰۱۵) در پژوهش‌های کیفی توجه شد، علاوه بر آن سعی شد در نمونه‌گیری حداکثر تنوع لازم در نظر گرفته شود. این نوع نمونه‌گیری این امکان را به ما می‌دهد که با انتخاب موارد اندک به بیشترین تفاوت ممکن، دامنه نوسانات و تفاوت‌ها دست یابیم (فلیک، ۲۰۱۸).

- 
1. Initial coding
  2. Focused coding
  3. Investigator triangulation
  4. Lincoln & Guba
  5. Researcher expertise
  6. Flick

### یافته‌های پژوهش

در مجموع کدگذاری‌ها (۱۰۷ کد کانونی شناسایی شده) در مدل قضاوت اخلاقی مبتنی بر روابط خودی، ۶ زیرمقوله در ۱ مقوله شناسایی شدند، که هیچ یک از زیرمقوله‌های شناسایی شده متأثر از جنسیت نبود. به عبارت دیگر نتایج این پژوهش نشان می‌دهد دایره روابط خودی تاثیرگذار در قضاوت‌های اخلاقی در زنان و مردان به یک صورت است. براساس وسعت و گستردگی کدهای شناسایی شده، کدها به سه دسته پرتکرار (۳۰ به بالا)، متوسط (۳۰ تا ۱۰) و نادر (۱۰ به پایین) تقسیم شدند. زیرمقوله‌های شناسایی شده در هر دو جنسیت در شکل ۱ نمایش داده شده است.

شکل ۱. مدل طیف روابط خودی تاثیرگذار در قضاوت اخلاقی در زنان و مردان



شرکت‌کنندگان زمانی که روابط بیان شده در مقوله اصلی نابرابری خودی در دوراهی‌های اخلاقی مطرح شده بود، حاضر بودند اصل برابری را زیر پا بگذارند. وسعت گستردگی ظهور این زیر مقوله‌ها براساس کدهای کشف شده به ترتیب خویشاوند، خود، دوست/همکار، هم‌وطن، هم‌مذهب و هم‌قومیت به‌عنوان گروه‌های خودی در قضاوت‌های شرکت‌کنندگان تاثیرگذار بودند، که در هر دو جنسیت، در سه سطح وضعیت اقتصادی-اجتماعی به لحاظ گستردگی و ترتیب مشابه بود.

در کد خویشاوند درجه یک (پرتکرار)، زمانی که در دوراهی‌های طرح‌شده، خویشاوند شرکت‌کنندگان از جمله فرزند، پدر، برادر یا خواهر درگیر بودند، اصل برابری نقض می‌شد. نمونه‌ای از متن مصاحبه که نشانگر این مقوله است به این شرح است:

پریا: «خوب اینجا تو داری بچه‌ات رو می‌دی. اونجا یکی دیگه است. دلیلش فقط احساس مادر و فرزندیه. حالا اونجا اگر غریبه افتاده بود و ناله می‌کرد احساسی بهش نداشتم که حالا اگر می‌گفتم این کار رو می‌کنم که جون چند نفر رو نجات بدم. اما اینجا باید مادر از فرزندش بگذره که جون چند نفر رو نجات بده، نمی‌تونه».

کد خود (تکرارپذیری متوسط)، نشان داد که افراد زمانی که خودشان در یک موقعیت درگیر باشند، متفاوت قضاوت می‌کنند و به نفع خود تصمیم می‌گیرند. نمونه‌ای از متن مصاحبه که نشانگر این مقوله است به این شرح است:

سینا: «بین تو این شرایط اگر این کار را نکنی شرایط زندگی برات خیلی سخت‌تر می‌شه دیگه، پارامتر غریزی اینه که تو زندگی خودت را بیشتر از بقیه دوست داری دیگه. شاید مثلا اگر تو کارت را از دست بدی یا کس دیگه کارش را از دست بده یا یک شرکت به خطر بیفته، چیز شخصی احتمالا اولویتش بیشتره دیگه».

<sup>۱</sup> جهت رعایت حفظ حریم شخصی شرکت‌کنندگان اسامی ذکر شده، مستعار است و تنها برای مشخص شدن جنسیت شرکت‌کننده استفاده شده است.



کد دوست / همکار (تکرار پذیری متوسط)، در تحلیل مصاحبه‌ها به عنوان گروه خودی شناخته شد که در قضاوت‌های اخلاقی شرکت‌کنندگان تاثیرگذار بود و افراد حاضرند در مواردی، اصل برابری را به دلیل درگیر بودن همکار یا دوستشان، نادیده بگیرند. نمونه‌ای از متن مصاحبه که نشانگر این مقوله است به این شرح است:

زهره: «... اون ۴ نفرش که اهمیتی نداره، خوب فقط اون یه دونه دوسته اهمیت داره».

کد هم‌وطن (تکرارپذیری متوسط)، نشان داد که شرکت‌کنندگان هم‌وطن را نسبت به غیرهم‌وطن ترجیح می‌دانستند و حاضر به زیر پا گذاشتن اصل برابری اخلاقی بودند. نمونه‌ای از متن مصاحبه که نشانگر این مقوله است به این شرح است:

خاطره: «از هر طرف که نگاه کنی بازم اون دارو رو نمیده به آمریکاییه، میده به ایرانیه، چون اون می‌خواد برای هم‌وطنش کار کنه، هم‌وطن خودش رو نجات بده. چون اون آمریکاییه دیگه، مال جای دیگست اون ایرانیه، اون به کشور خودش خدمت می‌کنه، چون هم‌وطنش رو دوست داره. به جای این که آمریکایی رو نجات بده هم‌وطن ایرانی خودش رو نجات می‌ده».

کد هم‌مذهب (نادر)، نشان داد که برخی شرکت‌کنندگان هم‌مذهب خود را نسبت به افراد با مذاهب دیگر ترجیح می‌دهند. نمونه‌ای از متن مصاحبه که نشانگر این مقوله است به این شرح است:

جواد: «چون به هر حال اون هم‌وطنشه، هم‌مذهب خودشه، بیشتر باهاش همسو توی افکاره، بیشتر بهش میرسه...».

کد هم‌قومیت (نادر) نشان داد هم‌قومیت در آخرین رده گروه خودی قرار دارد، و هر چند به ندرت اما برخی از شرکت‌کنندگان حاضر بودند در موقعیت‌های اخلاقی که همشهری یا هم‌قومیتشان درگیر بود برابری را زیر پا بگذارند. نمونه‌ای از متن مصاحبه که نشانگر این مقوله است به این شرح است:

مصطفی: «می‌دونی خوب ما بچه‌های کویر رو بیشتر از جاهای دیگه دوست داریم دیگه، چون اصالتا مال کویریم... ولی خوب طبیعیه آدمای تمایل دارن به زادگاهشون... آدمای تمایل دارن به ولایت خودشون دیگه...».

## بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج حاصل از این پژوهش، روابط شخصی و اجتماعی خودی می‌توانند قضاوت‌های اخلاقی انسان را تحت تاثیر قرار دهند و سبب شوند فرد گاهی برخلاف اصل برابری قضاوت کند. همان‌طور که مطرح شد روابط خودی تاثیرگذار در قضاوت‌های اخلاقی، به ترتیب خویشاوند، خود، دوست/همکار، هم‌وطن، هم‌مذهب و هم‌قومیت بودند که ترتیب و گستردگی کدهای شناسایی شده در هر زیرمقوله در زنان و مردان با سطوح مختلف اقتصادی-اجتماعی مشابه بود.

در این مطالعه خویشاوند بیشترین و هم‌قومیت کمترین کد را به خود اختصاص داد. به این معنا که قضاوت شرکت‌کنندگان در اکثر مواقع تحت تاثیر روابط خویشاوندی قرار می‌گرفت و کمتر حاضر بودند به خاطر هم‌شهري یا هم‌قومیتی خود قضاوت بر مبنای اصول خود را تغییر دهند.

ترجیح خویشاوند و خود در موقعیت‌های اخلاقی هم‌راستا با مطالعات دیگر است (بلس-ریشک و همکاران، ۲۰۱۰؛ فیتجرلد و همکاران، ۲۰۱۰؛ استیورت-ویلیامز، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸). نظریه‌های تکاملی فرض می‌کنند که بسیاری از رفتارهای انسان در خدمت منافع شخصی یا حداقل منافع ژن‌های فرد است (داوکینز، ۱۹۷۶). در حقیقت اساس تصمیم‌گیری فرد به نفع بقای ژن اوست، در نتیجه فرد حتی حاضر است خود را برای بقای ژن فدا کند، احتمالاً این یکی از دلایلی است که گاهی خویشاوند به خود نیز ترجیح داده می‌شود و همان‌طور که در این پژوهش نیز نشان داده شد خود در جایگاه بعدی قرار می‌گیرد. البته علاوه بر بحث تکاملی برای انتخاب خویشاوند جلوتر از خود، می‌توان این انتخاب را از جنبه دیگری هم نگاه کرد که از فداکاری محض کمی فاصله بگیرد. در حقیقت عمل افراد تنها با هدف رفاه خویشاوند انجام نگرفته‌است، بخشی از این تصمیم به نوعی با خودخواهی است؛ گاهی افراد برای اجتناب از پشیمانی یا عدم تحمل احساس ناراحتی از دست دادن نزدیکان خود به این انتخاب دست می‌زنند. در نتیجه، در

این از خودگذشتگی پاداشی نهفته است. نهایتاً فارغ از دیدگاه تکاملی، فرد با انتخاب خویشاوند به نوعی به رضایت شخصی دست می‌یابد. بر این مبنا می‌توان نتیجه گرفت هدف نهایی بسیاری از قضاوت‌ها منفعت شخصی است.

پس از خود و خویشاوند، دوست و همکار در مقوله نابرابری خودی قرار گرفت. افراد حاضر هستند برای دوست و همکار خود برابری را کنار بگذارند. هم‌راستا با نتایج پژوهش‌های پیشین (فیتجرلد و همکاران، ۲۰۱۰؛ استیورت-ویلیامز، ۲۰۰۸) دوست و شریک عاطفی در قضاوت اخلاقی پس از خویشاوندان قرار گرفتند. در مطالعات قبلی همکار مورد بررسی قرار نگرفته است، اما با توجه به این که گاهی رابطه همکاری، علاوه بر مسائل کاری، همراه با ارتباطات عاطفی است و یک رابطه شخصی به حساب می‌آید، در کنار دوست و قبل از روابط اجتماعی قرار می‌گیرد.

همان‌طور که در بخش یافته‌ها طرح شد روابط غیرشخصی مانند ارتباط ملیتی، مذهبی یا قومیتی، وزن روانشناختی کمتری نسبت به روابط شخصی (خویشاوند، خود و دوست/همکار) دارند و در طیف روابط خودی تاثیرگذار در قضاوت‌های اخلاقی پس از روابط شخصی قرار می‌گیرند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، افراد ترجیحات متفاوتی نسبت به انواع هم‌گروه‌ها دارند، ترتیب دخالت گروه‌های مختلف خودی در قضاوت‌های اخلاقی، هم‌ملیت، هم‌مذهب و هم‌قومیت بود. برخلاف خویشاوند، خود و دوست/همکار انتخاب افراد هم‌گروه را می‌توان به نوعی رفتار مشارکتی یا همکاری یا حتی نوعی وفاداری تشبیه کرد. فرد به شکرانه عضویت در یک گروه (ملی، مذهبی و قومی) یا به دلیل داشتن اهداف مشترک با اعضای آن، خود را موظف به اتخاذ برخی تصمیمات حتی برخلاف اصول خود می‌داند. در حقیقت اگر در انتخاب خویشاوند بقای ژن مشترک، هدف است، در انتخاب گروه احتمالاً اهداف انتزاعی مشترک با هم‌گروه‌ها (مانند خدمت به کشور، ترویج دین و ...) مدنظر فرد است. در حقیقت افراد به جای اساس قرار دادن اصل برابری، اصل وفاداری به گروه را مبنای قضاوت خود قرار می‌دهند.

زیرپا گذاشتن دیگر اصول اخلاقی با هدف وفاداری به گروه در مطالعه دیگری نیز نشان داده شده است، در آن مطالعه افراد برای وفاداری به گروه حاضر بودند دروغ بگویند (هیلدرت و

اندرسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). می‌توان نتیجه‌گیری کرد که افراد گاهی وفادار بودن به گروه را بالاتر از برخی ارزش‌های اخلاقی می‌دانند. در تحقیقات از این موضوع با عنوان هویت آمیخته<sup>۲</sup> یاد می‌شود. با وجود اینکه آمیختگی هویتی در روابط شخصی با خویشاوندان رایج است، اما هم‌جوشی با گروه‌های جمعی بزرگ مانند کشور و مذهب نیز وجود دارد که حتی این نوع وفاداری می‌تواند محرک قدرتمندی برای رفتار باشد، حتی اگر این رفتار (به‌عنوان مثال مردن برای گروه) به نفع خود فرد نباشد (سون جی آر، گومز و سایله، مورالز و هیوسی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹).

قومیت به عنوان آخرین رابطه تاثیرگذار در قضاوت اخلاقی جای گرفت. شرکت‌کنندگان در قضاوت‌های خود توجه کمی به این مسئله داشتند که فرد درگیر در موقعیت اخلاقی اهل کدام شهر و یا از چه قومی است. از آنجا که پژوهش حاضر در تهران انجام شده و تمام افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند یا متولد تهران بودند، یا بیش از ۱۵ سال ساکن تهران بودند و با توجه به این که در تهران قومیت‌های مختلفی کنار یکدیگر زندگی می‌کنند (شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۸۹)، تجربه شرایط مشترک اقتصادی - اجتماعی، سبب ایجاد همانندسازی و شکل‌گیری احساس همبستگی در آنها شده است و فارغ از گروه‌بندی‌های قومیتی، خود را اعضای گروهی یکسان می‌دانستند.

یافته‌های پژوهش حاضر مغایر با نگرش‌های فروید (۱۹۲۷)، کلبِرگ و کلیگان (گامپ و همکاران، ۲۰۰۰) و هم‌راستا با برخی مطالعات (جفی و هاید، ۲۰۰۰؛ سولوچکوا و سولوچک، ۲۰۰۷؛ مک‌گرا و بلومفیلد، ۱۹۸۷؛ لایجکوبا، ۲۰۱۳) نشان داد قضاوت زنان و مردان با یکدیگر تفاوتی ندارد. به‌طور خاص در حوزه قضاوت‌های اخلاقی مبتنی بر روابط، نتایج هم‌راستا با برخی پژوهش‌ها (استیورت - ویلیامز، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸؛ برنشتاین و همکاران، ۱۹۹۴؛ فیتجرلد و کولارلی، ۲۰۰۹؛ کروگر، ۲۰۰۱؛ میلز و همکاران، ۱۹۸۹) نشان داد، زمانی که روابط شخصی و اجتماعی خودی درگیر موقعیت اخلاقی باشد، زنان و مردان، به صورت مشابه انصاف را زیر

1. Hildreth & Anderson

2. identity fusion

3. Swann Jr, Gómez, Seyle, Morales, & Huici



پامی گذارند، که البته این نتایج با برخی دیگر از مطالعات انجام شده در این حوزه مغایر است (بلس - ریشک و همکاران، ۲۰۱۰؛ پترینوویچ و همکاران، ۱۹۹۳؛ فیتجرلد و ویتیکر، ۲۰۰۹؛ لی و همکاران، ۱۹۷۴).

دلیل این مغایرت می‌تواند محتوای اصلی معماهای اخلاقی به‌کاررفته در مطالعات باشد. محتوای معماهای اخلاقی استفاده شده در مطالعاتی که در فداکاری برای خودی تفاوت‌های جنسیتی مشاهده کردند، خشونت‌آمیز و تهدیدکننده زندگی مثل تجاوز، زورگیری و قتل بوده است (بلس - ریشک و همکاران، ۲۰۱۰؛ پترینوویچ و همکاران، ۱۹۹۳؛ فیتجرلد و ویتیکر، ۲۰۰۹؛ لی و همکاران، ۱۹۷۴)، که احتمالاً در آن‌ها مردان به دلیل پرخاشگری جسمی بیشتر به لحاظ تکاملی (باس و دانتلی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶)، بیشتر از زنان به واکنش نشان دادن تمایل داشتند. اما در این مطالعه معماهای اخلاقی در حوزه‌های تهدیدکننده زندگی، غیرتهدیدآمیز، خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز، مورد استفاده قرار گرفت، که بیشتر موقعیت‌های زندگی عادی انسان‌ها (مالی، بیماری، تصادف، ازدواج و ...) را تحت پوشش قرار می‌داد. می‌توان نتیجه گرفت زنان و مردان، فارغ از وضعیت اقتصادی-اجتماعی به‌طور کلی در موقعیت‌های مختلف زندگی به یک اندازه روابط خودی را در تصمیمات خود لحاظ می‌کنند، هرچند ممکن است با توجه به میزان خشونت‌آمیز بودن موقعیت میزان مداخله زنان و مردان متفاوت باشد، که این به ویژگی‌های جسمانی تکاملی (باس و دانتلی، ۲۰۰۶)، و راهبردهای مقابله‌ای (سپاسی و عبدلی، ۱۳۹۵؛ ندائی، بهرامی، جزایری و فاتحی زاده، ۱۳۹۳) دو جنسیت مرتبط است، نه توانایی آن‌ها در رعایت یا عدم رعایت انصاف و برابری.

یافته‌ها فعلی نیازمند تحقیقات بیشتر در آینده است. یکی از محدودیت‌های این پژوهش محل اجرا و شرکت‌کنندگان آن بود. با توجه به آنکه تمام شرکت‌کنندگان ساکن تهران بودند و تنوع قومیتی در این شهر سبب همانندسازی و شکل‌گیری احساس همبستگی بین قومیت‌ها شده است، پیشنهاد می‌شود اولاً در تحقیقات آینده طیف روابط خودی و غیرخودی تاثیرگذار در

1. Buss & Duntley

قضاوت‌های اخلاقی در مطالعه کمی و در نمونه‌ای بزرگ‌تر در شهرهای مختلف ایران با تنوع فرهنگی و قومیتی کمتر نیز بررسی شود. ثانیاً می‌توان سلسله مراتب روابط خویشاوندی موثر را به صورت جزئی‌تر مشخص کرد. نهایتاً در پژوهش‌های آتی می‌توان بررسی کرد که افراد حاضر به زیر پا گذاشتن کدام ارزش‌های اخلاقی همچون برابری، با هدف وفاداری به گروه خودی هستند.



## منابع

- خسروی، زهره و عباس‌زاده، سعیده. (۱۳۹۴). بررسی فرایندهای تفسیری و معنایی مبتنی بر جنسیت در انتخاب کنش اخلاقی. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۳(۱)، ۳۲-۷.
- سپاسی، سحر و عبدلی، لیلا. (۱۳۹۵). تأثیر جنسیت مدیران ارشد شرکت بر محافظه‌کاری شرطی. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۴(۱)، ۱۲۹-۱۵۴.
- سراج‌زاده، سید حسین و پویافر، محمدرضا. (۱۳۸۷). مقایسه تجربه سنج‌های دینداری: دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد سه سنج در یک جمعیت. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴(۴)، ۳۷-۷۱.
- فرج‌زاده دهکردی. حسین. (۱۳۹۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت با قضاوت اخلاقی حسابداران: شواهدی مبتنی بر رشته تحصیلی. *دوفصلنامه علمی حسابداری/ارزشی و رفتاری*، ۴(۷)، ۱۸۱-۲۰۸.
- کشوری، فاطمه؛ پوراعتماد، حمیدرضا و اختیاری، حامد. (۱۳۹۱). اثر جنسیت بر اخلاق در قضاوت اخلاقی با تحریک الکتریکی مستقیم از روی جمجمه قشر پیشپیشانی پشتی-جانبی. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، ۱۴(۴)، ۱-۱۲.
- ندائی، علی؛ بهرامی، فاطمه؛ جزایری، رضوان السادات، و فاتحی‌زاده، مریم السادات. (۱۳۹۳). بررسی تفاوت‌های جنسیتی در راهبردهای مقابله‌ای در سازگاری زناشویی و مقایسه آن در زوجین شهر اصفهان. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۴۰(۳)، ۱۴۱-۱۷۶.
- Aldrich, D., & Kage, R. (2003). Mars and Venus at twilight: A critical investigation of moralism, age effects, and sex differences. *Political Psychology*, 24(1), 23-40.
- Birks, M., & Mills, J. (2015). *Grounded Theory: A Practical Guide*. Sage.
- Bleske-Rechek, A., Nelson, L. A., Baker, J. P., Remiker, M. W., & Brandt, S. J. (2010). Evolution and the trolley problem: People save five over one unless the one is young, genetically related, or a romantic partner. *Journal of Social, Evolutionary, and Cultural Psychology*, 4(3), 115.

- Burnstein, E., Crandall, C., & Kitayama, S. (1994). Some neo-Darwinian decision rules for altruism: Weighing cues for inclusive fitness as a function of the biological importance of the decision. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(5), 773.
- Buss, D. M., & Duntley, J. D. (2006). The evolution of aggression. *Evolution and social psychology*, 263-286.
- Charmaz, K. (2014). *Constructing Grounded Theory*. Sage.
- Dawkins, R. (1976). *The selfish gene* New York: Oxford University Press. *DawkinsThe Selfish Gene*1976.
- Dubljević, V., & Racine, E. (2014). The ADC of moral judgment: Opening the black box of moral intuitions with heuristics about agents, deeds, and consequences. *AJOB Neuroscience*, 5(4), 3-20.
- Farajzadeh Dehkordi, H. (2019). How personality and gender relate to ethical judgment of accountants: Evidence based on discipline. *Iranian journal of value & behavioral accounting*, 4(7), 181-208. [Text in Persian]
- Fitzgerald, C. J., & Colarelli, S. M. (2009). Altruism and reproductive limitations. *Evolutionary Psychology*, 7(2), 147470490900700207.
- Fitzgerald, C. J., Thompson, M. C., and Whitaker, M. B. (2010). Altruism among romantic partners: Biological offspring as a genetic bridge between altruist and recipient. *Evolutionary Psychology*, 8, 462-476.
- Fitzgerald, C. J., & Whitaker, M. B. (2009). Sex differences in violent versus non-violent life-threatening altruism. *Evolutionary Psychology*, 7(3), 467-476.
- Flick, U. (2018). *An introduction to qualitative research*. Sage Publications Limited.
- Freud, S. (1927). Some psychological consequences of the anatomical distinction between the sexes. *International Journal of Psycho-Analysis*, 8, 133-142.
- Greene, J. D., Nystrom, L. E., Engell, A. D., Darley, J. M., & Cohen, J. D. (2004). The neural bases of cognitive conflict and control in moral judgment. *Neuron*, 44(2), 389-400.
- Gump, L. S., Baker, R. C., & Roll, S. (2000). Cultural and gender differences in moral judgment: A study of Mexican Americans and Anglo-Americans. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 22(1), 78-93.
- Hildreth, J. A. D., & Anderson, C. (2018). Does loyalty trump honesty? Moral judgments of loyalty-driven deceit. *Journal of Experimental Social Psychology*, 79, 87-94.



- Jaffee, S., & Hyde, J. S. (2000). Gender differences in moral orientation: a meta-analysis. *Psychological bulletin*, 126(5), 703-726.
- Keshvari, F., Pouretmad, H. R., & Ekhtiari, H. (2013). The effect of gender on dorsolateral prefrontal cortex transcranial DC stimulation-induced disruption of moral judgment. *Advances in Cognitive*, 14(4), 1-12. [Text in Persian]
- Khosravi, Z., & Abbaszadeh, S. (2015). The evaluation of gender based semantic and construal processes in selecting moral action. *Quarterly Journal of Women's studies Sociological and Psychological*, 13(1), 7-32. [Text In Persian]
- Kruger, D. J. (2001). Psychological aspects of adaptations for kin directed altruistic helping behaviors. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 29(4), 323-330.
- Lajčiaková, P. (2013). Social Work Students' Moral Judgement Competence. *Special English Issue*, 5(13), 51-56.
- Lay, C., Allen, M., & Kassirer, A. (1974). The responsive bystander in emergencies: Some preliminary data. *Canadian Psychologist/Psychologie canadienne*, 15(3), 220.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry* (vol. 75).
- Ma, H. K. (1992). The relation of altruistic orientation to human relationships and moral judgment in Chinese people. *International Journal of Psychology*, 27(6), 377-400.
- McGraw, K. M., & Bloomfield, J. (1987). Social influence on group moral decisions: The interactive effects of moral reasoning and sex role orientation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53(6), 1080.
- Mills, R. S., Pedersen, J., & Grusec, J. E. (1989). Sex differences in reasoning and emotion about altruism. *Sex Roles*, 20(11-12), 603-621.
- Monin, B., Pizarro, D. A., & Beer, J. S. (2007). Deciding versus reacting: Conceptions of moral judgment and the reason-affect debate. *Review of general psychology*, 11(2), 99-111.
- Nedayi, A., Bahrami, F., Jazayeri, R. S., & Fatehizadeh, M. S. (2014). Investigating gender differences in coping strategies in marital adaptation and comparing it in couples in Isfahan. *Quarterly Journal of Women's studies Sociological and Psychological*, 40(3), 141-176. [Text In Persian]
- Petrinovich, L., O'Neill, P., & Jorgensen, M. (1993). An empirical study of moral intuitions: Toward an evolutionary ethics. *Journal of personality and social psychology*, 64(3), 467.

- Sepasi, S., & Abdoli, L. (2016). Effect of managers' gender on conditional conservatism. *Quarterly Journal of Women's studies Sociological and Psychological*, 46(1), 129-154. [Text In Persian]
- Serajzadeh, S. H., & Pouyafar, M. R. (2007). Experimental comparison of religiosity metrics: Methodological implications of using three metrics in a population. *Sociology of Iran*, 4(8), 37-71. [Text In Persian]
- Slováčková, B., & Slováček, L. (2007). Moral judgement competence and moral attitudes of medical students. *Nursing ethics*, 14(3), 320-328.
- Stewart-Williams, S. (2008). Human beings as evolved nepotisms: Exceptions to the rule and effects of the cost of help. *Human Nature*, 19, 414-425.
- Stewart-Williams, S. (2007). Altruism among kin vs. non-kin: Effects of cost of help and reciprocal exchange. *Evolution and Human Behavior*, 28, 193-198.
- Tinghög, G., Andersson, D., Bonn, C., Johannesson, M., Kirchler, M., Koppel, L., & Västfjäll, D. (2016). Intuition and moral decision-making—the effect of time pressure and cognitive load on moral judgment and altruistic behavior. *PLoS one*, 11(10).
- Zalta, E. N. (2014). The Stanford encyclopedia of philosophy. Spring 2014 edition. URL: <https://plato.stanford.edu/>. APPENDICES.



## *The Spectrum of Gender Based Patterns of Relationship Moral Judgment*

Mahsa Mehdizadeh<sup>1</sup>  
Zohreh Khosravi<sup>2\*</sup>  
Khosrow Bagheri Nowparast<sup>3</sup>

### **Abstract**

The purpose of this study is to clarify the effect of the pattern of close relationships in moral judgement and to recognize gender based components. A qualitative approach based on the constructivist grounded theory model was used, which explored relationship-dependent judgments. The population of the study included young and middle-aged men and women of Tehran, and the sampling was purposeful. The moral dilemmas were presented to participants, and information was collected with semi-structured interviews. The results of the study showed that people are willing to violate the principles of justice for the sake of their relatives, friends, colleagues, compatriots, religion and ethnicity in both genders. The impact of personal relationships (relatives, friends, and colleagues) is related to human evolutionary characteristics, and the impact of the social relationships in terms of country, religion and ethnicity is related to common goals within the group and loyalty to the group. In their decisions, both men and women

---

<sup>1</sup>. PhD student of Psychology, Department of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University

<sup>2</sup>. Professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University,

\* Corresponding Author: z.khosravi@alzahra.ac.ir

<sup>3</sup>. Professor of Social and Philosophical foundations of Education, University of Tehran.

Submit Date:2019.11.22      Accept Date: 2020.01.17

DOI: 10.22051/JWSPS.2020.31269.2214



recognize relationships evenly in different situations, but their involvement is different on the basis of the severity of the situation. The difference depends on their evolutionary characteristics, rather than on their ability to understand and observe equality.

***Keywords***

Moral Judgment, Close Relationships, Gender, Constructivist Grounded Theory